سید مرتضی علی حسینی

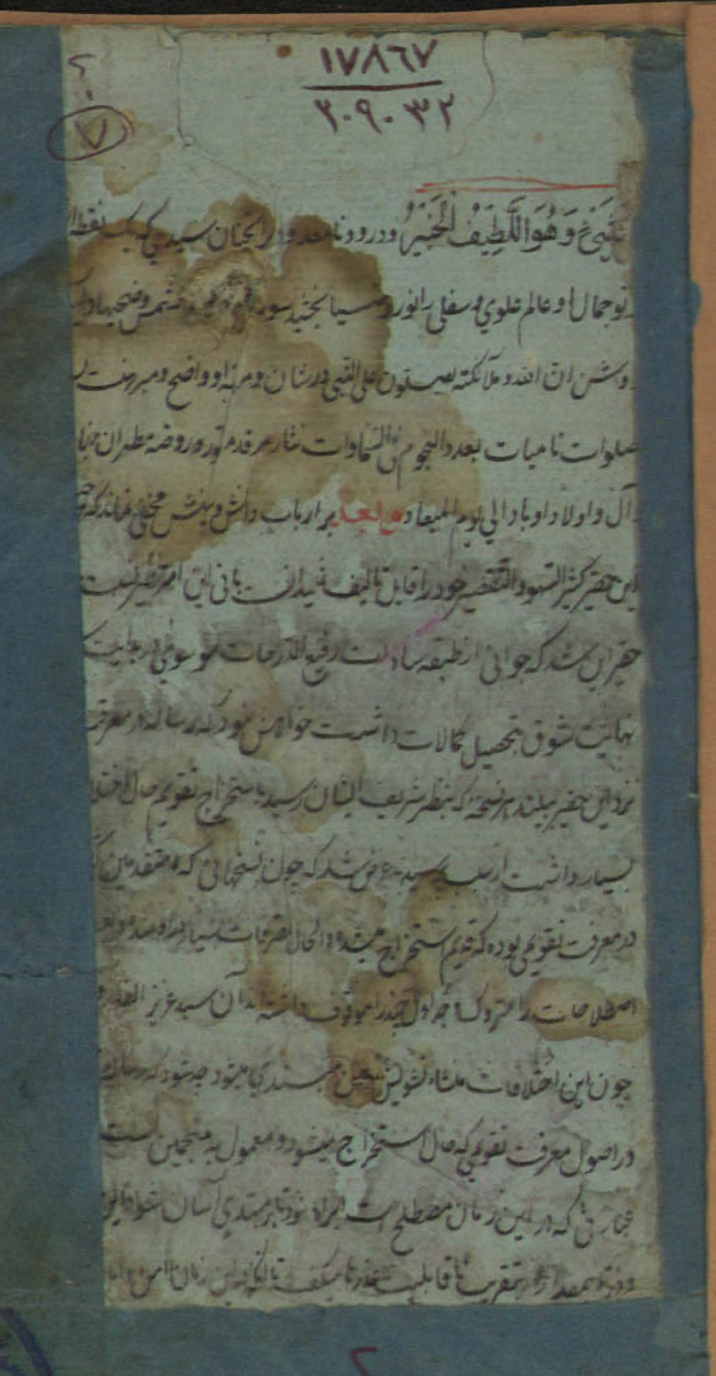
٨٥،٥،١



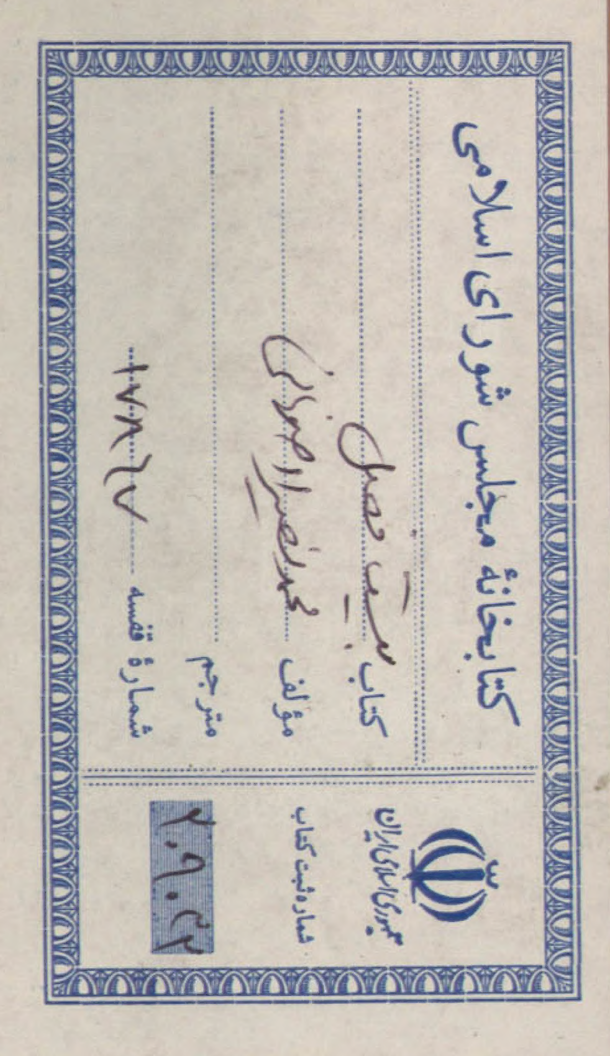
شیء و هو اللطیف الخبیر و درود نامعدود بر روان سیدی که ...
نو جمال او عالم علوی و سفلی را نور و ضیا بخشید سود ... شمس و ضحیها ...
و شش ان الله و ملائکته یصلون علی النبی در شان و مرتبه او واضح و مبرهن ...
صلوات نامیات بعدد النجوم فی السماوات نثار مرقد منور و روضه مطهر ...
آل و اولاد او باد الی یوم المیعاد و بعد بر ارباب دانش و بینش مخفی نماند که ...
این حقیر کثیر السهو و التقصیر خود را قابل تالیف نیدانست بانی این امر ...
حقیر این شد که جوانی از طبقه سادات رفیع الدرجات موسوی ...
نهایت شوق بتحصیل کمالات داشت خواهش نمود که رساله در معرفت ...
نزد این حقیر بلند هر نسخه که بنظر شریف ایشان رسید باستخراج تقویم حال ...
بسیار داشت ... خوش شد که چون نسخهای که ... متقدمین ...
در معرفت تقویمی بوده که قدیم استخراج میشده و الحال تصرفات بسیار در او شده ...
اصطلاحات ... موقوف داشته ... آن سید عزیز ...
چون این اختلافات منشاء تشویش طبع مبتدی میشود چه شود که رساله ...
در اصول معرفت تقویمی که حال استخراج میشود و معمول به منجمین است ...
تجارتی که در این زمان مصطلح است ایراد نود تا بر مبتدی آسان شود ...
و ذکر ... تقریب نا قابلیت عذرها ... این زمان ...



۱۷۸۶۷
۲۰۹۰۳۲
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب بیست فصل
مؤلف خواجه نصیر الدین طوسی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۸۶۷



... وهو اللطیف الخبیر و درود نامعدود ... ریحان سیدی که ... نقطه
... تو جمال او عالم علوی و سفلی را نور و سیما بخشید ... شمس وضحیها ...
... والش ان الله وملائکته یصلون علی النبی در شان و مرتبه او واضح و مبرهن ...
صلوات نامیات بعدد النجوم من السماوات نثار مرقد مطهر و روضه معطر آن ...
آل و اولاد او باد الی یوم المیعاد اما بعد بر ارباب دانش و بینش مخفی نماند که ...
این حقیر کثیر السهو والتقصیر خود را قابل تالیف ندیده ... بانی این امر ...
حقیر این شد که جوانی از طبقه سادات رفیع الدرجات موسوی ...
نهایت شوق بتحصیل کمالات داشت خواهش بود که ... رساله در معرفت ...
نزد این حقیر ... نسخه که بنظر شریف ایشان رسید باستخراج تقویم ... احوال ...
بسیار داشت ... [illegible] ... شد که چون نسخهائی که ...
در معرفت تقویم بوده که قدیم استخراج ... و الحال ...
اصطلاحات را ... موقوف داشته ... آن سید عزیز القدر ...
چون این اختلافات منشا تشویش ... مبتدی میشود ...
در اصول معرفت تقویم که حال استخراج میشود و معمول به منجمین است ...
... که در این زمان مصطلح است ... مراد ... مبتدی ...
... تقریب قابلیت ... [illegible]



دولت ... سلطان سلاطین جهان مروت آیین معدلت نشان نواب ... کیهان

خلد الله ملکه و ... و عدل و احسانه که در عهد سلطنت او ... و

شور نعمت به حد کمال رسیده و آشوب و فتنه از دیار ... است ... هیچ کس

بر سبیل ... نظم سزاوار این شاه با عدل و داد بگویم ... باد

که هزار و صد و ... هجری بوده ... این ... با وجود قلت بضاعت

و عدم قابلیت خود درباره این داد اشت که رساله بر سبیل اختصار آنچه از استادان

شنیده و در کتب ... به خاطر ... رسیده در اصول معرفت تقویم ... که هر ...

که محاسبت ... در این ... و بالله المستعان و علیه التکلان

و این رساله مشتمل است بر مقدمه و سه فصل و خاتمه مقدمه در تعلیم اهل حساب دارد

و آن اعداد جمل باشد و اعداد جمل که ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ این

ا ۱ ب ۲ ج ۳ د ۴ ه ۵ و ۶ ز ۷ ح ۸ ط ۹ ی ۱۰ ک ۲۰

ل ۳۰ م ۴۰ ن ۵۰ س ۶۰ ع ۷۰ ف ۸۰ ص ۹۰ ق ۱۰۰ ر ۲۰۰ ش ۳۰۰ ت ۴۰۰

ث ۵۰۰ خ ۶۰۰ ذ ۷۰۰ ض ۸۰۰ ظ ۹۰۰ غ ۱۰۰۰ و این جمله بیست و هشت حرف

باشد که نه آحاد و نه عشرات و نه مآت و یکی الوف و دیگر اعداد را هم از این

حروف مرکب کنند و بیشتر را مقدم و کمتر را مؤخر بدین مثال یا یازده یب ...

... سی و سه ... صد و چهل و ... هزار ... شود اکثر را مقدم

دارند

دارند و بیشتر را مؤخر ... بدین مثال یغ ده هزار ... قغ صد هزار ... اگر

حاجت شود شاید نوشت **فصل اول** در بیان حقیقت و تعریف ایام بدانکه ایام

جمع یوم است در لغت و در اصطلاح اهل تقویم و تنجیم یوم عبارت است از طلوع نصف جرم

آفتاب است تا غروب نصف جرم آن و لیل در لغت شب باشد و در اصطلاح اهل

تنجیم عبارت است از غروب نصف جرم آفتاب تا طلوع نصف جرم آن و ایام

هفته را از حروف جمل رقم کنند بدینگونه یکشنبه ا دوشنبه ب سه شنبه ج

چهارشنبه د پنجشنبه ه جمعه و شنبه ز ... در تاریخ عربی و تعریف آن لغت

تاریخ ... در لغت ... و اصطلاحی ... و این ... بقول خواجه نصیر علیه الرحمة

که ... تاریخ ... در اصطلاح تاریخ وقتی معلوم

... که ... و قول ... قریب ... بقول خواجه

و ابتدای این تاریخ از هجرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ... از مکه معظمه ...

یوم پنجشنبه بوده ... اعتقاد آنست که اول محرم آن سال که آن جناب نبوی هجرت

نمودند یوم ... بوده ... هجرت آن جناب ... ربیع الاول بوده ...

... و سال ... که دوازده ماه قمری باشد سیصد و پنجاه و چهار روز

... ساعت و چهل و ... دقیقه بوده ... حقیقی آنست که از اجتماع تا اجتماع

دیگر باشد بیست و نه روز و ... ساعت و چهل و چهار دقیقه باشد ... اهل ...

یکماه سی روز بود و یکماه بیست و نه روز و باقی بدین قیاس و نام ماههای ایشان بترتیب
اینست ل محرم الحرام کط صفر المظفر ل ربیع الاول کط ربیع الاخر ل جمادی
الاول کط جمادی الاخر ل رجب المرجب کط شعبان المعظم ل رمضان المبارک
کط شوال المکرم ل ذی قعده الحرام کط ذی الحجه الحرام و اهالی فرس هر ماهی سی روز و
ماهی بیست و نه روز در هر سالی هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه باشد و در سال اول
از آن ضبط نمایند تا سال دویم درآید هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه دیگر
بر آن اضافه نمایند تا هفده ساعت و سی و شش دقیقه شود و چون ضابطه اهل
نجوم داشت که عددی که از نصف تجاوز کند از آن یکی گیرند و هفده ساعت و
سی و شش دقیقه از نصف روز که دوازده ساعت است زیاده است پس سال دویم
کبیسه [illegible] روز کبیسه را در آخر ذی الحجه افزایند تا در آن سال ذی الحجه سی روز تمام
واقع شود در آن سال را کبیسه خوانند لیکن روز کبیسه تمام نباشد و چون سال
سیم درآید هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه دیگر بر هفده ساعت و سی و شش
دقیقه علاوه نمایند بیست و شش ساعت و بیست و چهار دقیقه شود و بیست و چهار
ساعت از جهت سال گذشته بیفکند از دو ساعت و بیست و چهار دقیقه را ضبط نمایند
تا سال چهارم درآید هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه سال چهارم را بر آن دو
کبیسه
ساعت و بیست و چهار دقیقه اضافه نمایند یازده ساعت دوازده دقیقه شود پس سال چهارم

باشد

نباشد چون کسور نصف نرسیده است و چون سال پنجم درآید هشت ساعت و
چهل و هشت دقیقه بر یازده ساعت و دوازده دقیقه اضافه نمایند بیست ساعت
صحیح شود پس سال پنجم کبیسه باشد لیکن روز وی تمام نباشد و باقی بر این قیاس
بود و چون در سی سال هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه یازده شبانه روز
صحیح میشود پس هر سی سال یازده روز بطریق مذکور که گذشت در آخر ذی الحجه
افزایند تا هر سی سال یازده ماه ذی الحجه سی روز تمام واقع شود و سالهای کبیسه
بترتیب این حروف است بهزیجیویحکاکدکوکط و دو جدول ایراد شد یکی جهت
۲ ۵ ۷ ۱۰ ۱۳ ۱۶ ۱۸ ۲۱ ۲۴ ۲۶ ۲۹
کسور ماه و یکی جهت کسور سال و جدولی که جهت کسور ماه باشد سه جدول متواری برکشند
و در اول ماههای دوازده گانه مشهوره را بنویسند و در دوم کسورات هر ماه را که
دوازده ساعت و چهل و چهار دقیقه باشد
و در سیم عدد هر ماه [illegible] که یکی روز [illegible]
روز و جدولی که جهت کسور سال باشد
نیز سه جدول متواری برکشند یکی
بجهت عدد سالها و در
دویم کسور سالهای کبایس و در
سیم سالهای کبیس و جداول موجود اینست

الشهور	کسور [illegible]	الایام
محرم الحرام	[illegible]	ل
صفر المظفر	ا ح	کط
ربیع الاول	[illegible]	ل
ربیع الآخر	ر	کط
جمادی الاولی	لد م	ل
جمادی الآخر	ید لد	کط
رجب	ر ح	ل
شعبان	ه ید	کط
رمضان	ک لو	ل
شوال	ر ک	کط
ذی القعده	ک یه	ل
ذی الحجه	[illegible]	کط

سالها	ساعات	کبایس
ا	[illegible]	
ب	د لو	ک
ج	کد	
د	[illegible]	
ه	ک د	ک
و	ی د	
ز	ط لو	ک
ح	ک لد	
ط	[illegible]	
ی	لو د	ک
یا	[illegible]	
یب	ط لو	
یج	یا ح	ک
ید	[illegible]	
یه	ی د	
یو	ک ح	ک
یز	ه لو	
یح	[illegible]	
یط	ا ر	
ک	ح ک	ط
کا	ر ی	
کب	ا لد	
کج	ح لد	
کد	ط یه	ک
که	و د	
کو	ر ید	ک
کز	ه لو	
کح	ا لد	ا
کط	یه ل	ک
ل	د د	

و اول ماهها [illegible] هلال نوشته شد
و این ماه را ماه هلالی خوانند و در این فصل معلوم
شد که ماه عربی بر سه قسم است قسم اول
از اجتماع تا اجتماع باشد و این ماه حقیقی
ایشان باشد که بیست و نه روز و دوازده [illegible]

حل

چهل و چهار دقیقه است و قسم دویم ماه حسابی ایشان که بحسب امر اوسط گیرند یکماه را
سی روز و یکماه را بیست و نه روز و این ماه مطلوب اهل حساب است و قسم سیم ماه
هلالی ایشان باشد که از رویت هلال باشد تا رویت هلال و این ماه هلالی نزد اهل
شرع معتبر است و روز اول ماه را غره خوانند چه شبیه بود بسفیدی پیشانی اسب و روز
سیم را سلخ خوانند چه شبیه بود به برآوردن گوسفند از پوست چه در آن روز ماه
از زیر شعاع آفتاب برآید و عدد هر ماهی سی روز باشد یا بیست و نه روز و چهار ماه
متوالی ممکن بود که سی سی آید و زیاده نه و سه ماه متوالی ممکن باشد که بیست و نه باشد
و زیاده نه و رقم روزها در تواریخی که مذکور خواهد شد رقم عدد روزها باشد
و چون ماه به آخر رسد در تقویم بر حاشیه از جانب راست نام آن ماهی که نو
خواهد شد در میان جدولی که از اتصالات کلی نامند بنویسند فصل سیم در بیان
تاریخ رومی و تعریف آن بدانکه مبدا این تاریخ از عهد اسکندر [illegible]
رومی بود و ابتدا [illegible] دوشنبه بود و نام ماههای رومی اینست لا تشرین الاول
ل تشرین الآخر [illegible] لا کانون الاول لا کانون الآخر کح شباط لا آذار
ل نیسان لا ایار ل حزیران لا تموز لا آب ل ایلول و ازین دوازده ماه چهار ماه
سی سی باشد و هفت ماه دیگر بغیر از شباط سی و یک باشد و ماه شباط بیست و
هشت روز باشد و سال ایشان را شمسی حقیقی گویند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز

[illegible]

وربع شبانه روز است و آن ربع در چهار سال روزی شود وان روز را در آخر شباط افزایند
تا ماه شباط بیست ونه روز شود وان سال کبیسه رومی شود وعدد آن سال
سیصد وشصت وشش روز شود وبعضی را اعتقاد آنست که وضع این تاریخ
بعد از وفات اسکندر است بدوازده سال هرچند عقل قبول نمیکند که وضع این
این تاریخ بعد از اسکندر باشد لیکن شرح بیست باب برجندی دلیلی نقل کرده که
تصدیق این قول میکند والله اعلم فصل چهارم در بیان تاریخ فارسی وتعریف آن
بدانکه مبدء این تاریخ از عهد ملک یزدجرد بن شهریار است که آخر ملوک
عجم است وابتدائش یوم سه شنبه بوده در سنه احدی عشر هجری واسامی ماههای ایشان این
است لـ فروردین ماه لـ اردی بهشت ماه لـ خورداد ماه لـ تیر ماه لـ مرداد ماه
لـ شهریور ماه لـ مهر ماه لـ آبان ماه لـ آذر ماه لـ دی ماه لـ بهمن ماه لـ اسفندارمذ ماه پنجه
دیگر را در آخر آبان ماه افزایند وانرا خمسه مسترقه خوانند واین ماههارا ماه قدیم نامند
فصل پنجم در بیان تاریخ جلالی وتعریف آن بدانکه مبدء این تاریخ از عهد سلطان
جلال الدین ملکشاه بوده ووضع این تاریخ بعد از یزدجرد بچهار
صد وچهل وهفت سال ونام ماههای ایشان نام ماههای فارسیان است
لیکن این را بجلالی مقید سازند وانرا تقدیم وعدد روزهای هر ماهی سی سی باشد
وپنج روز زیاده را در آخر اسفندارمذ ماه افزایند بخلاف وچون مدار این تاریخ

فصل چهارم

بر دور آفتاب

بر دور آفتاب نهاده اند ومدت دور آفتاب سیصد وشصت وپنج روز وکسری
مختلف فیه چنانکه برصد بعضی از قدما آن کسر را ربع درست یافته اند وحکما
اتفاق نموده اند که آن کسر مذکور از ربع کمتر باشد ودر قدر نقصان بحسب ارصاد مختلف
بود چنانکه در زیج جدید خاقان الشهید میرزا الغ بیک منضبط آمده ده دقیقه و
چهل وپنج ثانیه از ربع کمتر باشد بهر تقدیر هر چهار سال یا پنج سال یکروز از کسرها
جمع شود در آخر خمسه افزایند شش روز شود وان روز را کبیسه خوانند واول فروردین ماه
جلالی که اول سال شمسی ومبدء تقویم منجمان باشد وانروز را نوروز سلطانی خوانند
روزی باشد که در نصف النهار آن روز آفتاب در درجه اول حمل باشد بشرط آنکه در پیش
نصف النهار مقدم بر آخر درجه حوت بوده باشد ودر تقویم برحاشیه از جانب
راست بعد از جدول اتصالات چهار جدول باریک برکشند ودر جدول اول
روزهای هفته رقم کنند ودر دوم ایام ماه عربی هلالی ودر سیم ایام ماه رومی
ودر چهارم ایام ماه جلالی بنویسند وچون ماهی ازین ماهها تمام شود در پیش صفحه
دست راست نام این ماهها که نو خواهد شد در میان جدول اتصالات کلی در
برابر آن روز بنویسند فصل ششم در معرفت کواکب سیاره بدانکه کواکب سیاره
هفت اند زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
ونشانهای این کواکب در تقویم حرف آخر باشد وبعضی ازین کواکب در فلک حالی بود

حمل

و دورترین فلک کواکب فلک زحل باشد و نزدیکترین فلکها فلک قمر شد که از افلاک اول
نیر خوانند و این کواکب شمس و قمر را نیرین گویند شمس را نیر اعظم و قمر را نیر اصغر و مشتری
و زهره را سعدین خوانند و مشتری را سعد اکبر و زهره را سعد اصغر ~~و عطارد را ممتزج خوانند~~
و زحل و مریخ را نحسین خوانند زحل را نحس اکبر و مریخ را نحس اصغر و عطارد را ممتزج خوا[نند]
زیرا که هر کوکبی که با وی ممتزج شود او گیرد و پنج کواکب دیگر را غیر از شمس و قمر خمسه متحیره
خوانند بجهة آنکه هر یک از اینها را استقامتی باشد یعنی بر توالی حرکت کنند و گاه مقیم
باشند یعنی حرکت نکنند و گاه راجع باشند یعنی بر خلاف توالی حرکت کنند و این کواکب
خمسه و زحل و مشتری را علویین خوانند و قمر و عطارد را سفلیین و کواکب علوی که گویند
مراد زحل و مشتری و مریخ باشد و کواکب سفلی که گویند مراد قمر و عطارد و زهره
و اهل احکام نجوم کواکب علوی را با شمس مذکر گیرند و قمر و زهره را مونث و عطارد را
ممتزج و باقی ستارگان که ایشان را ثابتات خوانند و ثابتات جمیع در فلک هشتم
باشند و بالای همه فلکها فلک نهم باشد که او را فلک الافلاک و فلک اطلس و فلک اعظم
و محدد الجهات نیز خوانند و فلک نهم افلاک دیگر را از جانب مشرق بسوی مغرب
حرکت دهد و آن حرکت را حرکت شبانه روزی و حرکت جبری نیز گویند
و افلاک دیگر از جانب مغرب بسوی مشرق حرکت میکنند و این حرکت را
حرکت خاصه و حرکت ارادی نیز گویند و فلک هشتم را فلک البروج خوانند و هفت

فلک

فلک دیگر را که فلک زحل و فلک مشتری و فلک مریخ و فلک شمس و فلک زهره و فلک
عطارد و فلک قمر گویند و این جمله بسوای فلک نهم از مغرب بمشرق حرکت میکنند
بر توالی بروج و اشکال افلاک بحسب تسطیح بدین گونه است

فصل هفتم در معرفت بروج و اجزای آن و مقدار سیر کواکب در آن بدانکه
دور فلک هشتم را که جمله کواکب بدان حرکت میکنند بدوازده قسم متساوی قسمت
کرده اند و هر قسمی را برجی نام نهاده اند و هر برجی را سی قسم کرده اند و هر قسمی را درجه نام نهاده اند

و هر درجه را به شصت قسم کرده اند و هر قسمی را دقیقه نام نهاده اند و هر دقیقه را به شصت
قسم کرده اند و هر قسمی را ثانیه نام نهاده اند و هر ثانیه را به شصت قسم کرده اند و هر قسمی را
ثالثه نامند و چند انکه خواهند شاید نوشت و نام و نشانهای بروج بر این
ترتیب است ﻫ حمل ا ثور ب جوزا ج سرطان د اسد ﻫ سنبله
و میزان ز عقرب ح قوس ط جدی ی دلو یا حوت و علامات این
بروج در تقویم بر این نهج مسطور است و جیم را منجمان پی دنباله نویسند تا فرق
میان جیم و حا باشد و فرق میان یا و نون بر نقطه باشد چه یا را نقطه بنگذارند
و نون را نقطه بنگذارند بدین گونه یا نا و از برای رقم درجه و دقیقه حروف
ابجد نهند و درجه از بیست نه نگذرد از جهت انکه چون سی شود برجی شود و دقیقه از
پنجاه و نه نگذرد زیرا که چون شصت شود درجه شود و باقی بر این قیاس در تقویم در صفحه
... راست بعد از جدول چهارگانه هفت جدول متساوی برکشند جهت مواضع
کواکب هفتگانه و بالا نصف النهار سه رقم نویسند اول رقم برج دویم رقم درجه
سیم رقم دقیقه و بالای جدولهای مذکور نام کواکب سبعه را نویسند ابتدا با فتاب
کنند و بعد بماه و پس بزحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد و چون درجه و
کواکب روز بروز زیاد شود کوکب مستقیم باشد و چون نقصان شود
راجع باشد و اگر نه زیاده و نه ناقص باشد کوکب مقیم بود و روش این ستارگان از افلاک
...

مختلف باشد چنانچه افتاب دور فلک را بیکسال تمام کنند هر دوری از سیصد و شصت و
پنج شبانه روز و ربعی تمام نماید و هر برجی را زیاده از دو روز و کمتر از سه روز قطع کند
و زحل دوری را در مدت سی سال تمام کند و برجی را در دو سال و نیم و هر دوازده
ماه چهار ماه و نیم راجع باشد و تتمه مستقیم و مشتری دوری را دوازده سال تمام
کند و برجی را در یکسال و هر سیزده ماه چهار ماه راجع باشد و تتمه مستقیم و مریخ دوری را
در بیست و دو ماه و نیم تمام کند و برجی را چون مستقیم و سریع السیر باشد در یکماه و نیم
تمام کند و هر دو سال و نیم دو ماه راجع باشد و تتمه مستقیم و زهره دوری را
در یکسال تمام کند و برجی را چون مستقیم بود و سریع السیر باشد در بیست و
هفت شبانه روز و هر یکسال و هفت ماه یکماه و نیم راجع باشد و تتمه مستقیم
و عطارد دوری را در حدود سال تمام کند و برجی را چون مستقیم و سریع السیر
باشد در شانزده روز و هر صد و شانزده روز بیست و دو روز راجع باشد
و تتمه مستقیم و کواکب ثابته دوری را در بیست و چهار هزار سال تمام کنند
و برجی را در دو هزار سال و درجه را در شصت و شش سال شمسی و در سالی چهار
ثانیه و ... سالی یک دقیقه و سی و نه ثانیه حرکت کنند و این حرکت فلک هشتم را در ارصاد
مختلف یافته اند چنانچه در زیج جدید خاقان شهید میرزا الغ بیک الضبط
آمده کواکب ثابته دوری در بیست و پنج هزار سال و دویست تمام کنند و هر


کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تأسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی